

حوادث۱۹

تلنگر

راز قتل بچه مهندس در دفترچه خاطرات قاتل

مرد مجسمه‌ساز که به خاطر اختلاف مالی ۱۵میلیونی پسر دانشجویی را به قتل رسانده بود، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه سه‌شنبه شانزدهم اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری نامجو با مصطفی واحدی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از درگیری مرگبار در پانسینیو در محله پل چوبی خبرکرد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد، پسر ۲۱ ساله که دانشجوی مهندسی بوده برآثر شلیک چهارگلوله سلاح وینچستر زخمی شده و در مسیر بیمارستان فوت شده است.

ماموران به تحقیق از مسوول پانسینو پرداختند که وی گفت: مقتول، مسعود ۲۱ ساله دانشجوی مهندسی واهل مازندران بود. او در یکی از اتاق‌های این پانسینو زندگی می‌کرد. قاتل فراری هم اکبر ۳۵ ساله است. او مجسمه‌ساز بود و در اینجا زندگی می‌کرد. اوو مقتول باهم دوست بودند اما از چند وقت پیش دچار اختلاف شدند. شب درگیری در دفتر کارم بودم که مسعود هراسان به آنجا آمد و مدعی شد اکبر می‌خواهد با سلاح او را به قتل برساند. چند لحظه بعد هم اکبر آمد و شیشه دفتر را شکست. خواستم او را آرام کنم اما با شلیک چهار گلوله مسعود را زخمی کرد و گریخت.

ماموران در بازرسی اتاق متهم به قتل، دفترچه خاطراتی پیدا کردند که در آن درباره اختلافات مالی اش با مقتول نوشته بود. بررسی نوشته‌ها مشخص کرد، اختلاف ۱۵ میلیونی قاتل و مقتول انگیزه این جنایت بوده است. اکبر مدعی بود، این پول را امانت به مسعود داده اما او پول را بازگردانده است.

همچنین بررسی‌ها نشان داد، متهم به خاطر بدهی به مردی در اصفهان نیز تحت تعقیب بوده است.

پرورنده‌ای در شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شدو جست‌وجوی پلیس جنایی برای دستگیری متهم به قتل مسلح فراری ادامه دارد.

اعدام قاتل در زندان

مردی که کودکی را بعد از آزار و اذیت به قتل رسانده بود، در زندان گنبد کاووس اعدام شد. به گزارش میزان، ۱۴ فروردین ۹۴ کودک چهار ساله خانواده اهوازی که به استان گلستان رفته بودند، ناپدید شد. پلیس بعد از يك هفته جسد او را در نوار مرزی ایران و ترکمنستان پیدا کرد. در این پرونده رد مردی که ساکن اطراف بازگرچه مرزی اینکه بود به دست آمد و او بازداشت شد. متهم در تحقیقات گفته بود کودک را تنها یافته و بعد از ریودن وی را به منطقه‌ای نزدیک مرز ایران و ترکمنستان برده و بعد از آزار و اذیت وی را کشته است. او بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد که بعد از تایید حکم وی، مرد زندانی بعد از گذشت پنج سال دیروز در زندان گنبد کاووس اعدام شد.

تصادف مرگبار در اتوبان



تصادف کامیونت با مینی‌بوس در بزرگراه آزادگان تهران به مرگ مرد میانسال و مصدومیت مرد جوانی منجر شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران به جام جم گفت: ساعت ۷ و يك دقیقه صبح دیروز، چهارشنبه، وقوع تصادف خودروی کامیونت و مینی‌بوس در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان روی پل شهید رجایی به آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۹۰ و ۴۷ در آنجا حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که خودروی کامیونت به علت ناعلموم با مینی‌بوس در میانه بزرگراه تصادف کرده و باعث شده که دو سرنشین کامیونت محبوس و خودرو نیز دچار نشت روغن و گازوتیل شده بود.

وی افزود: آتش‌نشانان هردو سرنشین را از داخل خودرو نجات داده و بیرون آوردند. معلوم شد مرد ۵۰ ساله به دلیل شدت صدمات فوت شده و مرد ۲۷ ساله مصدوم که او به بیمارستان و جسد هم به پزشکی قانونی منتقل شد.



بود، اعزام شدند. بررسی‌های اولیه تیم ارزیاب‌های هلال احمر نشان می‌داد خسارات‌های وارده به خانه جزئی بوده و ۲۵ نفر هم مصدوم شدند. این درحالی است که زمین لرزه به قلعه تاریخی فلک‌الافلاک خرم‌آباد خسارت آنچنانی وارد نکرده و فقط بندکشی چند کنگره از قلعه دچار آسیب شده است.

پشت‌صحنه یک جنایت

رابطه نامتعارف آغاز یک جنایت

محمدجواد شفیعی بازپرس دادسرای جنایی تهران

در این پرونده پسری جوان به قصد تفریح سراغ سایت همسریابی می‌رود و با زنی که ۲۵ سال از او بزرگ‌تر بوده آشنا شده و به این طریق رابطه غیر اخلاقی را با آن زن آغاز می‌کند. وقتی با آن زن درگیر می‌شود و نمی‌تواند خواسته او را که تا مین صد میلیون تومان پول است، انجام دهد همین باعث می‌شود، زن برای رسیدن به خواسته اش سراغ تهدید ببرد. همین تهدید و ترس از افشای عکس‌ها آغاز نقشه پسر جوان برای قتل شد. اگر او راه درست استفاده از فضای مجازی را می‌دانست و به جای استفاده از سایت همسریابی به سمت یک ارتباط درست با فردی برای ازدواج می‌رفت، این رابطه پنهانی شکل نمی‌گرفت و به جنایت دست نمی‌زد و اکنون می‌توانست به ورزش قهرمانی خود ادامه دهد. خانواده‌ها باید نظارت بیشتری روی فرزندان خود، نوع استفاده آنها از فضای مجازی و ارتباط فرزندان در این فضا با افراد غریبه داشته باشند تا شاهد مشکلات کمتری برای آنها باشند و این چنین آنها از راه درست خارج نشوند و زندگی تلخی برایشان رقم بخورد.

عکس و فیلم را نداد او را کشتم

گوشی تلفن همراه و لپ‌تاپ مقتول را دزدیدم و فرار کردم. **از بعد از فرار کجا رفتی؟** با فروش اموال مقتول ۲۰ میلیون تومان دستم آمد و با جوانی که دوست شده بودم به ترکیه رفتم و یک ماه آنجا بودم. در آنجا با دختری که برای تفریح آمده بود، آشنا شدم و بعد از برگشتم به تهران او را چند بار دیدم و روزی که خانه‌اش رفتم، پلیس ردم رازد و بازداشت شدم.

از خانواده‌ات ملاقات داشتی؟ خانواده‌ام باورش‌ان نمی‌شد که قاتل شدم. پدرم نمی‌توانست باور کند تنها پسرش قاتل شده و دو بار سکنه کرد و تا مرگ برگ پیش رفت.

روزی‌های کرونا بی در زندان چگونه می‌گذرد؟ من و بقیه زندانیان مثل افرادی که بیرون زندان هستند سعی می‌کنیم بهداشت را رعایت کنیم. از زمانی که بیماری کرونا آمده، ملاقات‌ها لغو و خانواده‌ام را در این چند ماه ندیده‌ام.

قصاص، فرجام قتل برادرزن

مرد جوان که از چند ماه قبل به اتهام قتل برادر همسرش در زندان است با رای دادگاه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، غروب ۲۷ مهر ۹۸ مرد جوانی به نام پیام سراسیمه برادر همسرش به نام جمشید را که مجروح و غرق در خون بود به یکی از بیمارستان‌های شهریار رساند.

جمشید لحظاتی بعد از رسیدن به بیمارستان به دلیل شدت خونریزی جان باخت و پیام خودش را تسلیم ماموران پلیس و به قتل برادرزنش اعتراف کرد و گفت: درگیری من و همسرم به خانواده همسرم کشیده شد و من در حالتی که مست و عصبانی بودم یک ضربه به برادرزنم زدم که باعث مرگ او شد.

با اعتراف متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهم پای میز محاکمه رفت.

ابتدای جلسه رسیدگی، پدر و مادر مقتول تقاضای قصاص دامادشان را کردند و مادر مقتول در جواب رئیس دادگاه که توصیه به مصالحه می‌کرد، گفت: دخترم یک فرزند کوچک دارد و می‌دانم که او بی‌پدر می‌شود اما من به خاطر حفاظت از جان نوه و دخترم هم که شده رضایت نمی‌دهم چون شاید دامادم بلایی هم سر آنها بیاورد.

سپس پیام در دفاع از خود گفت: اتهامم را قبول دارم اما خیلی پشیمانم و قصد قتل نداشتم. آن روز با همسرم بحثم شد و چون مست بودم اراده رفتم را نداشتم و خیلی عصبانی شده و با خانه پدرزنم تماس گرفتم و بی‌اراده فریاد می‌زدم. برادر بزرگترم همسرم آمد و در خیابان با من حرف زد و کمی آرامم کرد اما وقتی او رفت جمشید مقابل خانه‌مان آمد. چون صدای داد و فریاد من را پشت تلفن شنیده بود خیلی عصبانی بود و به سمت هجوم آورد. نمی‌دانم چه شد که کار آتشپزخانه را برداشتم اما فقط می‌خواستم او را بترسانم. وقتی با همم گلاویز شدیم یک ضربه زدم که به گردن او اصابت کرد.

متهم سپس با گریه و التماس از پدر و مادر همسرش طلب بخشش کرد و این در حالی بود که تلاش همسر متهم هم برای جلب رضایت از پدر و مادرش بی‌ثمر بود.

قضات دادگاه بعد از مشورت بنا بر دادخواست اولیای دم حکم قصاص و اصدار کردند.

معمای قتل مرد تنها در غرب تهران

داشت، اما شواهد نشان از مرگ او اثر خفگی داشت. بازپرس مصطفی واحدی در ادامه به تحقیق از همسایه‌ها پرداخت که معلوم شد مقتول مالک آپارتمان بوده و تنها در آنجا زندگی می‌کرد و رفت و آمد زیادی نداشته است. یکی از همسایه‌ها در جریان تحقیقات گفت: امشب صدای درگیری از خانه همسایه شنیده شد که به آنها اعتراض کردم. بعد آرام شدند و صدای موسیقی از خانه‌اش شنیده می‌شد. نگهبان ساختمان هم مدعی شد، وقتی صدای درگیری را شنیده به سمت خانه مقتول آمده و سه مرد را دیده که سراسیمه به سمت در خروجی می‌رفتند. با تشکیل پرونده در شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای جنایی تهران، تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سه مرد آغاز شد.

خارج شده و به خیابان‌ها آمدند. یک ساعت از وقوع این زمین لرزه نگذشته بود که دومین زمین لرزه -که به بزرگی ۳/۱ ریشتر بود- در شهر سراب دوره رخ داد.

بعد از این دو زلزله و پس لرزه‌های ناشی از آن نیروهای امدادی هلال احمر همراه پنج گروه از ارزیاب‌های هلال احمر به محل‌هایی که زلزله احساس شده

گفت‌وگو با قاتلی که زندگی‌اش را در سایت همسریابی باخت

پایان مرگبار ازدواج اینترنتی

گفت‌وگو با قاتلی که زندگی‌اش را در سایت همسریابی باخت

محمدجواد شفیعی بازپرس دادسرای جنایی تهران

در این پرونده پسری جوان به قصد تفریح سراغ سایت همسریابی می‌رود و با زنی که ۲۵ سال از او بزرگ‌تر بود، آشنا شد فکرش را نمی‌کرد پایان این آشنایی جنایت است. جنایتی که او را در برابر مجازات اعدام قرار داده است. در پشت صحنه این هفته پای صحبت‌های این قاتل نشستیم ایم و بازپرس جنایی ریشه‌های وقوع آن را تحلیل کرده است.

بامداد ۲۷ آذر ۹۷ بود که زن میانسالی در یکی از محله‌های شرقی تهران به قتل رسید. با دستور بازپرس جنایی پایتخت تحقیقات آغاز و معلوم شد او با شلیک دو گلوله در نبود دخترش در خانه به قتل رسیده و متهم به قتل بعد از سرقت گوشی تلفن همراه پول، طلا و لپ‌تاپ او گریخته است. سرانجام در پس ۲۰ ساله‌ای در این پرونده به دست آمد و وی بعد از یک ماه فرار به ترکیه زمانی که به تهران برگشت، بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات پلیسی گفته بود چون مقتول فیلم و عکس‌های خصوصی او را پس نمی‌داده و از وی پول می‌خواسته با او درگیر شده و وی را به قتل رسانده است. او با اعتراف به جنایت و بازسازی صحنه قتل روانه زندان رجایی شهر کرج شد. پسرجوان که روزی قهرمان رشته تکواندو بود، حالا قرار است به اتهام قتل در دادگاه محاکمه شود.

عکس و فیلم را نداد او را کشتم

۱۱ سال در رشته تکواندو فعالیت داشتم. مقام های زیادی همراه مدال‌های رنگارنگ تکواندو در سطح استانی و کشوری آوردم. یک قدم تا تیم ملی تکواندو فاصه داشتم که قاتل شدم.

از آشنایی با مقتول بگو. ۲۰ ماه پیش یکی از دوستانم به من گفت برای تفریح عضو سایت همسریابی شوم که قبول کردم و با پرداخت صد هزار تومان عضو آن شدم. چند هفته بعد با زن میانسالی در همان سایت آشنا شدم. شرابطم را دیدم و قبول کرد که ارتباطمان شکل بگیرد. چند بار بیرون از خانه همدیگر را دیدیم و بعد از آن در نبود فرزندان‌ش به خانه‌اش می‌رفتم. او به من علاقه مند شده بود. اما چون از من ۲۵ سال بزرگ‌تر بود برای تفریح با او بودم.

شکار زنان با ارا به سیاه

مجرم سابقه دار که با پراید سرقتی زنان را ربوده و مورد آزار و اذیت قرار می‌داد در دام پلیس گرفتار شد. چهار زن با مراجعه به پلیس آگاهی از متهم شکایت کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات پلیسی در این پرونده ۲۰ فروردین امسال و همزمان با شکایت زنی در پلیس آگاهی تهران آغاز شد. زن جوان در شکایت خود گفت: ۱۸ فروردین امسال از میدان صادقیه به مقصد پونک سوار خودروی پرایدی مشکی رنگ شدم که راننده در میان راه تغییر مسیر داد و با تهدید مرا به محلی خلوت کشاند و مورد آزار و اذیت قرار داد. او چاقویی در دست داشت و تهدید می‌کرد اگر مقاومت کنم مرا به قتل می‌رساند. مرد متجاوز بعد از سرقت پول و تلفن همراهم مرا از ماشین به بیرون پرت کرد و گریخت.

در ادامه ماموران با شکایت های مشابه دیگری رو به رو شدند که در آنها نیز زنان در دام راننده پرایدی گرفتار شده بودند. با بررسی پرونده‌ها شماره پلاک خودروی پراید به دست آمد. اما بررسی‌ها نشان داد، خودرو ۱۵ فروردین از محله کن سرقت شده است.

سرانجام ردپای یک مجرم سابقه‌دار در این پرونده به دست آمد و ماموران او را ۲۴ فروردین در خیابان ستارخان دستگیر کردند. همچنین ارا به شیطانی در خانه‌اش پیدا شد. با انتقال متهم به پلیس آگاهی مشخص شد، او از زندان سابقه‌دار خودرو و شکایت‌است که این بار با سرقت خودروی پرایدی نقشه شیطانی اش را اجرامی کرد.

متهم در بازجویی هامدعی شد، زنان را از مبدأ میدان آزادی و میدان صادقیه سوار می‌کردم و پس از طی مسافتی تغییر مسیر داده و به خیابان های خلوت می‌بردم. در یک فرصت مناسب با تهدید چاقو نقشه خود را عملی و اموال آنان را سرقت می‌کردم و متواری می‌شدم.

تاکنون چهار زن از متهم شکایت کرده‌اند و تحقیقات پلیسی در این باره ادامه دارد.

جزئیات جدید از ماجرای قتل دختر نوجوان در مزرعه

رئیس کل دادگستری گلستان، یکی از معاونان خود را مسؤول رسیدگی سریع به پرونده قتل دختر نوجوان در رامیان کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۱۹ و ۲۵ دقیقه شنبه ۱۳ اردیبهشت امسال و به دنبال کشف جسدی در زمین‌های زراعی بخش فندرسک شهرستان رامیان آغاز شد. پس از حضور تیم جنایی مشخص شد، جسد متعلق به دختر نوجوانی است که دست‌اناش از پشت بسته شده بود. جسد با صورت روی زمین افتاده بود و بخش‌هایی از بدن مقتول توسط حیوانات وحشی خورده شده بود. با توجه به نحوه رها شدن جسد این احتمال مطرح شد که او را در محل دیگری به قتل رسانده و بعد جسدش را به آنجا منتقل کرده‌اند.

سرهنگ مروتی، رئیس پلیس آگاهی استان گلستان در این باره به جام جم گفت: با توجه به حساسیت موضوع، راهی این شهر شده و تیمی از کارآگاهان مرکز استان و رامیان تحقیقات برای راز گشایی از جنایت را آغاز کردند. با تحقیقات میدانی و بررسی پرونده افراد فقدان، هویت مقتول شناسایی شده است. جسد متعلق به دختری ۱۴ ساله و ساکن روستایی در نزدیکی محل کشف جسد است. وی افزود: هنوز علت دقیق مرگ مشخص نشده است. چند فرضیه در این باره مطرح شده و در حال تحقیق در این رابطه هستیم.

رئیس کل دادگستری گلستان هم دیروز طی نامه‌ای یکی از معاونان خود را برای پیگیری و رسیدگی به پرونده قتل دختر نوجوان در رامیان مامور کرد. هادی هاشمیان در حکمی به قاضی مزیدی اعلام کرد: خبر کشف جسد دختر ۱۴ ساله با دستان بسته در اراضی کشاورزی اطراف شهرستان رامیان موجب تآثر و تألم شد. به جنابعالی ماموریت داده می‌شود تا در خصوص چگونگی و انگیزه وقوع حادثه با همکاری مسؤولان محلی، بررسی جامع و دقیق انجام شود و اقدامات لازم برای شناسایی و دستگیری عاملان آن انجام دهد و چنانچه در پیشگیری از وقوع حادثه فرد یا افرادی سهل‌انگاری کرده‌اند، مشخص و نتیجه در اسرع وقت به اینجانب گزارش شود.

لرستان روی خط زلزله

دو زمین لرزه به فاصله ۶۰ دقیقه از یکدیگر «فیروز آباد» و «سراب دوره» استان لرستان را لرزاند.

به گزارش ایرنا، ساعت ۱۲ و ۳۷ دقیقه ظهر دیروز زمین لرزه‌ای به بزرگی ۵/۱ ریشتر فیروز آبادالشر لرستان را لرزاند. مردم بعد از این زلزله از خانه هایشان